

می‌توانند در جریان فعالیت‌هایشان باشند. حتی رسانه‌ها هم خیلی وقت‌ها از طریق انتشار همین عکس‌ها در صفحات شخصی ورزشکاران، در جریان اخبار مربوط به آنها قرار می‌گیرند و مطالبی درباره این فعالیت‌ها در رسانه خود منتشر می‌کنند.

♦♦♦ آیا می‌توان شروع عکاسی حرفه‌ای از ورزش زنان را که به دست شما رقم خورده، اتفاقی اثرگذار در شکل‌گیری و توسعه ورزش زنان کشور دانست؟

ورزش زنان در ایران سال‌هاست که وجود دارد، حتی اگر از آن عکاسی نشود. نمی‌توان آن را انکار کرد و نادیده گرفت. اما دوربین به من فرصتی داده تا بتوانم این ورزش را، این بخش از زندگی بسیاری از زنان ایرانی را به دیگران هم نشان بدهم. البته تأکید می‌کنم که قبل از من هم عکاسانی بودند که به ورزش زنان می‌پرداختند، اما من این رشته را به صورت تخصصی انتخاب کردم. خیلی خوشحالم که امروز اگر در یک آخر هفته سری به سالن‌های ورزشی رقابت‌های زنان بزنید می‌توانید دو سه عکاس جوان را ببینید که از ورزش زنان عکاسی می‌کنند.

♦♦♦ لطفاً ماجرای عکاسی که در جشنواره بین‌المللی عکس بشریت منتشر شد بگویید و دلیلی که باعث شد شما از میان عکس‌های مختلف‌تان این عکس را برای شرکت در مسابقه انتخاب و ارسال کنید.

من از کودکی به واسطه خانواده‌ام با مطبوعات آشنا بودم. دغدغه اینکه با کمک رسانه بتوانم چیزی را به بقیه مردم جهان نشان بدهم داشتم. تجهیزات عکاسی‌ام را به سختی خریدم و عکاسی را با عشق و علاقه انجام می‌دهم. همین باعث شد وقتی دوربین دستم می‌گیرم دنبال ثبت لحظه‌ای باشم که شاید بتوانم با آن چیزی را تغییر دهم یا اثرگذار باشم. فرقی نمی‌کند شما چه تخصصی داشته باشید. وقتی قصدتان تأثیرگذاری باشد می‌توانید آن را در هر زمینه‌ای انجام دهید. البته این اثرگذاری همیشه مثبت نیست. گاهی چیزی که خلق می‌شود می‌تواند اثری منفی هم بگذارد. من تلاش کردن در راه بهبود زندگی بشر را دوست دارم و دلم می‌خواهد این کار را به کمک دوربینم انجام دهم. برای همین عکاسی ورزشی، اجتماعی و حوزه زنان را برای فعالیت‌هایم انتخاب کردم. از کارتن‌خواب‌ها و افراد آسیب‌دیده عکاسی کرده‌ام چون فکر می‌کردم این کاری است که من می‌توانم انجام دهم؛ عکاسی از افرادی که صدایشان شنیده نمی‌شود.

فراخوان جشنواره را اتفاقی دیدم. با توجه به دوره‌های گذشته این جشنواره که دوره‌هایی پروپیمان بودند، تصمیم گرفتم در جشنواره شرکت کنم. با توجه به اینکه در دوره پاندمی کرونا قرار داریم و حدس می‌زدم عکس‌های زیادی هم درباره این همه‌گیری جهانی به جشنواره ارسال شود امید به برگزیده شدن عکس خودم نداشتم، اما این عکس برای من مهم بود. چون آن را حاصل تلاش و تجربه جمعی زنان جامعه خودم می‌دانستم که بعد از چند دهه تلاش به ثمر رسیده بود. جالب است بدانید آن روز من به عنوان یک عکاس نتوانستم به جایگاه عکاسان بروم. هنگام گرفتن این عکس روی سکوی تماشاچی‌ها بودم اما بازی رانه مثل دیگر تماشاچی‌ها، بلکه مثل یک عکاس از ویزور دوربین تماشا می‌کردم. خاطره من از حضور زنان در استادیوم آزادی در بازی ایران-کامبوج به تماشای تماشاچی‌ها از قاب دوربینم برمی‌گردد. لحظه ثبت این عکس، من بازی را تماشا نمی‌کردم، اما از تکان خوردن زمین زیر پیرامی، از شنیدن فریاد شادی تماشاچی‌ها و همه‌همه بزرگی که در اطرافم رخ داد فهمیدم لحظه حساسی در بازی است که همان لحظه گل است. شاتر را فشار دادم. گرچه فکر می‌کنم این عکس مربوط به گل دهم بازی بود. با این حال من هم مثل همه زنانی که در این استادیوم حضور داشتیم، غم‌وشادی توأمانی داشتم از حضور زنان در استادیوم. همان چیزی که در عکس هم به خوبی مشخص و ممکن است یک مخاطب عکس را ببیند و از آن شور و شادی دریافت کند یا بغض کند. از اینکه هیات داوران مسابقه هم این عکس و این موقعیت را درک کرده بودند احساس بسیار خوبی داشتم.

گوشه‌ای از افتخارات مریم مجد:

- انتخاب به عنوان ۱۰ عکاس برتر انجمن عکاسان و خبرنگاران ورزشی جهان AIPSAWARDS در دوره متوالی و تنها عکاس زن ایرانی که عکس‌هایش در این انجمن برگزیده شده
- نامزد انتخاب عکاس مستعد زیر ۳۰ سال نهاد خبری ورلدپرس فوتو
- WorldPressPhoto (Joop Swart Masterclass)
- انتخاب به عنوان ۱۰ عکاس برتر ورزشی قاره آسیا و اقیانوسیه در دوره جایزه AIPS Sport Media Awards در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰
- اولین عکاس زن ایرانی دارنده اعتبارنامه از فدراسیون جهانی فوتبال فیفا
- تنها عکاس زن ایرانی در جام جهانی فوتبال زنان ۲۰۱۹ در فرانسه
- تنها عکاس زن ایرانی دارای اعتبارنامه از سری آیتالیا
- یکی از چهار عکاس زن تأثیرگذار در ورزش زنان جهان به انتخاب سایت تخصصی Global Sport Matters



عکس: مریم مجد / برگزیده جشنواره بین‌المللی عکس بشریت

گفت و گو با مریم مجد، عکاس ایرانی که برگزیده جشنواره عکس بشریت شد

عکس‌هایم صدای جامعه خاموش است

عکس سه در چهار ورزشکاران به آن اضافه شد. بعد عکس‌ها و گزارش‌ها فضای بیشتری را به دست آوردند تا بالاخره به جایی برسیم که ورزش زنان هم به موضوعی عادی در جامعه تبدیل شود. این مسأله برای همه زنان ورزشکار مهم بود. آنها سال‌های زیادی را با کمترین امکانات و با محدودیت‌هایی که همه از آن خبر داریم تلاش کردند تا مقام‌های کشوری، آسیایی و جهانی کسب کنند. اما این موفقیت‌ها هیچ‌وقت دیده نمی‌شد. از نظر

اما انتشار عکسی از آنها در حین ورزش و مسابقات، نه تنها این مخالفت را از بین می‌برد بلکه حمایت خانواده‌ها از ورزشکاران را بیشتر می‌کرد. انگار آنها تازه به اهمیت و جدیت ورزشی که دختران و زنان انجام می‌دادند پی می‌بردند و حتی به آن افتخار می‌کردند. سال‌های سال مسابقات ورزشی زنان درده‌های بالا برگزار می‌شد و ورزشکاران حتی یک عکس یادگاری از این مسابقات نداشتند. عکاسی با زبان تصویر سخن می‌گوید و ارتباط برقرار

[مرضیه موسوی] اولین عکاس تخصصی ورزش زنان در ایران است. «مریم مجد» ۳۳ سال دارد و عکاسی در مطبوعات را از سال ۸۴ آغاز کرده است. از این سال تا کنون عکس‌های او را در صفحات روزنامه شرق، اعتماد، اعتماد ملی، روزگار، مجله زنان، حیات نو و... دیده‌ایم. او می‌گوید: «فرقی نمی‌کند شما چه تخصصی داشته باشید. وقتی قصدتان تأثیرگذاری باشد می‌توانید آن را در هر زمینه‌ای انجام دهید. البته این اثرگذاری همیشه مثبت نیست. گاهی چیزی که خلق می‌شود می‌تواند اثری منفی هم بگذارد. من تلاش کردن در راه بهبود زندگی بشر را دوست دارم و دلم می‌خواهد این کار را به کمک دوربینم انجام دهم. برای همین عکاسی ورزشی، اجتماعی و حوزه زنان را برای فعالیت‌هایم انتخاب کردم. چون فکر می‌کردم این کاری است که من می‌توانم انجام دهم؛ عکاسی از افرادی که صدایشان شنیده نمی‌شود.» برگزیده شدن عکسی از مریم مجد در جشنواره بین‌المللی بشر دوستی و نمایش این عکس در گالری سازمان ملل بهانه‌ای شد برای گفت و گو با او درباره عکاسی از ورزش زنان و تأثیری که این عکاسی در سال‌های گذشته در ورزش زنان کشور گذاشته است. او می‌گوید: «یادم است که مثلاً بچه‌های تیم دوومیدانی بعد از مسابقات از من می‌خواستند که حتماً عکس‌ها را به دست‌شان برسانم. مری‌ها بعد از مسابقات از روی عکس‌هایی که من می‌گرفتم تیم را آنالیز می‌کردند. چون خبری از فیلمبرداری از مسابقات نبود و تقریباً عکاس دیگری هم در مسابقات حضور نداشت و این عکس‌ها تنها منبعی بود که می‌شد به آن اتکا کرد. فقر حضور عکاس و فیلمبردار در مسابقات زنان همیشه محسوس بود.»

♦♦♦ سال‌هاست در حوزه‌های مختلف اجتماعی، زنان و ورزش عکاسی می‌کنید. اما شما را بیشتر به عنوان عکاس ورزشی زنان می‌شناسند. دلیل انتخاب این حوزه تخصصی برای عکاسی چه بود؟

حدود ۱۵ سال پیش عکاسی ورزشی را آغاز کردم. آن زمان تقریباً می‌توان گفت در سالن مسابقات ورزشی زنان من تنها عکاس ورزشی حاضر بودم. البته آن زمان در برخی از مسابقات دو عکاس زن خبرگزاری ایرنا هم بودند که عکاس تخصصی ورزشی نبودند و به واسطه آفیش خبرگزاری آن مسابقات را پوشش می‌دادند. آن زمان هنوز فضای مجازی به گستردگی امروز نبود که افراد بتوانند خارج از فضای مطبوعات عکس‌های خودشان را منتشر کنند. یادم است که مثلاً بچه‌های تیم دوومیدانی بعد از مسابقات از من می‌خواستند که حتماً عکس‌ها را به دست‌شان برسانم. مری‌ها بعد از مسابقات از روی عکس‌هایی که من می‌گرفتم تیم را آنالیز می‌کردند. چون خبری از فیلمبرداری از مسابقات نبود و تقریباً عکاس دیگری هم در مسابقات حضور نداشت و این عکس‌ها تنها منبعی بود که می‌شد به آن اتکا کرد. فقر حضور عکاس و فیلمبردار در مسابقات زنان همیشه محسوس بود.

در تمام این سال‌ها ورزشکاران زیادی بودند که برای ورزش کردن با فشارها و مخالفت‌های زیاد خانواده روبه‌رو می‌شدند،



خانواده و اطرافیان بسیاری از این ورزشکاران، آنها کار مهمی انجام نمی‌دادند چون خروجی این کار مهم را در رسانه‌ها نمی‌دیدند.

روندی که عکاسی از ورزش زنان در جامعه ایجاد کرد شبیه روندی بود که ما در مورد مسأله‌ای مثل استفاده از وسایل ورزشی در پارک‌ها شاهدش بودیم. سال اولی که این وسایل در پارک‌ها نصب شده بود زن‌ها برای استفاده از آن محدودیت زیادی داشتند. ورزش کردن زنان در پارک‌ها اصلاً چیز عادی نبود، اما به مرور جامعه به آن عادت کرد و امروز در هر پارکی زنانی را می‌بینیم که از این وسایل استفاده می‌کنند و مشغول ورزش هستند بدون اینکه برای ما مسأله عجیبی به نظر برسد.

این روزها فضای مجازی از رسانه‌ها هم پیشی گرفته و هر ورزشکار خودش بدون نیاز به رسانه‌های رسمی می‌تواند عکس و تصویری از موفقیت‌ها و تلاش‌هایش به نمایش بگذارد. مخاطبان و اطرافیان این فرد با استناد به همین عکس‌ها و تصاویر

کردن با آن نیاز به مترجم ندارد. افراد بدون واسطه می‌توانند آن را ببینند و درک کنند. من ابزار عکاسی را داشتم و تصمیم گرفتم در این رشته کار تخصصی را آغاز کنم. عکاسی وسیله من برای کمک به جریان ورزش زنان در جامعه ایران بوده و هست.

♦♦♦ به نظر می‌رسد انتشار عکس از ورزش زنان هم جریان بود که به واسطه عکاسی حرفه‌ای از این رشته در مطبوعات راه پیدا کرد. من فکر می‌کنم حتی این عکس‌ها و انتشار آن در مطبوعات و خبرگزاری‌ها جریان‌های اجتماعی در حوزه ورزش زنان را هم تغییر داد و اثرگذار بود.

تا ۱۰ سال پیش استفاده از عکس زنان در صفحه اول روزنامه‌ها اتفاق غریبی بود. چه برسد به اینکه عکس از مسابقات ورزشی زنان باشد و بخواهد در صفحه اول روزنامه‌ها جایی داشته باشد. این اتفاق مثل هر تغییر نگرش اجتماعی دیگری در بستری از زمان رخ داد. تا سال‌ها ورزش زنان تنها کادر کوچکی از گزارش‌ها را، آن هم بدون عکس به خود اختصاص می‌داد. بعد کم‌کم